

## بررسی انتقادی روش آبل در مدخل دجال دائرةالمعارف اسلام لایدن بر اساس باورهای کلامی امامیه

مرضیه صادقی رشتی<sup>۱</sup>

احمد بهشتی مهر<sup>۲</sup>

فاطمه رئوفی تبار<sup>۳</sup>

### چکیده

مدخل Dajjal از مقالات دایرةالمعارف اسلام لایدن به قلم Abel است که پژوهش حاضر، میزان انعکاس باورهای پذیرفته شده امامیه را که عمدتاً در منابع کلامی از آن بحث می‌شود با این مدخل می‌سنجد تا اعتبار گزارش‌های آن تعیین شود. این مسئله با رویکرد تحلیل، نقد و بررسی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در سه حوزه روش‌های استنادی، روش علمی-منطقی و روش ساختاری بررسی می‌شود. مدخل «دجال» با بررسی معنای لغوی آغاز شده و سپس به صورت تطبیقی در ادبیات یهودی و مسیحی با منابع اهل سنت مرکز توجه قرار داده شده و تنها دو منبع حدیثی متقدم در اهل سنت، منابع آن را تشکیل می‌دهد. حذف برخی مقدمات لازم و اصلی، خطا در برداشت، مراجعه مستقیم به منابع خام حدیثی و ناتوانی در تشخیص حدیث صحیح و سقیم، غلبه پیش‌فرض‌ها و اجتهادات به جای توصیف عقاید از نقدهای وارده بر این مدخل است.

**واژگان کلیدی:** مدخل دجال دائرةالمعارف اسلام لایدن، مستشرقان و مهدویت، نقد روش استنادی آرمان آبل، نقد روش علمی و منطقی، نقد روش معرفت‌شناسی، نقد روش ساختاربندی.

۱. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه قم (نویسنده مسئول). Marziehsadeghi@yahoo.com

۲. استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه قم. A.beheshti@qom.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری رشته کلام دانشگاه قم. Fmrt.1371@gmail.com

## مقدمه

دائرةالمعارف اسلام<sup>۱</sup> دانشنامه‌ای در حوزه اسلام، فرهنگ و تمدن مسلمانان است که در سال ۱۹۱۳-۱۹۳۶م. توسط انتشارات بریل لایدن هلند<sup>۲</sup> منتشر شده و سه ویرایش دارد. بیست و یکمین کنگره بین‌المللی شرق‌شناسان در سال ۱۹۴۸م. در پاریس، آغازگر ویراست دوم دائرةالمعارف اسلام بود. انگیزه این امر را انتقادات مسلمانان به آموزه‌های ویرایش نخست دانسته‌اند و نبودن یک مسلمان در ویراست نخست نیز این فرضیه را تقویت می‌کند. در ویرایش دوم، ترکیبی از مؤلفان اروپایی و آمریکایی غیرمسلمان و مسلمان حضور داشتند. (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۲۵/۱۷-۳۳۲)

اهمیت بررسی این مجموعه، هم به لحاظ وسعت مداخل و مقالات گردآوری شده در آن است و هم به دلیل اینکه این اثر، برای بسیاری از انگلیسی‌زبانان یا انگلیسی‌دانان که قصد آشنایی با اسلام یا فرق مختلف آن را دارند، محل مراجعه است. بنابراین در قامت شیعه امامیه، لازم است درباره آنچه درباره امامیه و آموزه‌های منتسب به آن نوشته می‌شود، تلاش شود.

پرسش اصلی این نوشتار آن است که آبل تا چه میزان در معرفی و توصیف مدخل دجال موفق بوده است؛ بنابراین در گام نخست، تصویری که نویسنده مدخل از باورهای کلامی امامیه درباره این عناوین دارد، به صورت گزارشی نظام‌مند؛ توصیف و دسته‌بندی می‌شود. سپس از حیث روشی به تحلیل، ارزیابی و نقد مداخل پرداخته می‌شود. نقد روشی نیز در چند طریق مورد ملاحظه است: روش سندی، روش علمی منطقی و روش ساختاری. مراد از بررسی استنادی در این اثر، پاسخ به این سوال است که آیا تصویر ارائه شده، دارای سندی معتبر در میان آثار بزرگان امامیه است؟ بنابراین در این بخش، اعتبار و درجه منابع کلامی

1. The Encyclopaedia of Islam

2. Leiden, Brill

به کار گرفته شده، میزان توجه به تفکیک منابع شیعه از اهل سنت و تفکیک منابع امامیه از غیر امامیه، بررسی تعدد منابع و... مورد توجه است. در بررسی علمی و منطقی، میزان استفاده از روش‌های منطقی، روش‌های معرفت‌شناسی و فلسفی، جامعیت و مانعیت مباحث و... بررسی می‌شود. در ارزیابی ساختاری نیز نظم و ساختمان بحث با اصل اعتقادات شیعه سنجیده می‌شود و بررسی می‌گردد که محتوای مدخل، توانسته ساختارمندی و نظام‌وارگی اعتقاد شیعه در آن اعتقاد خاص را به تصویر بکشد یا فقط تعدادی از اندیشه‌ها به صورت نامنظم و غیروابسته ذکر شده است.

### پیشینه پژوهش

از میان مطالعات به عمل آمده تحقیق و پژوهش مستقلی با عنوان مورد بحث به چشم نمی‌خورد؛ با این حال می‌توان به آثاری اشاره کرد که در دایرةالمعارف‌های مشابه یا در همین دایرةالمعارف با رویکرد تاریخی گرد آمده‌اند:

۱. پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تحلیل و نقد دیدگاه دایرةالمعارف اسلام، قرآن و ایرانیکا درباره دجال و سفیانی»، به قلم تکت‌م ساعدی و جمعی دیگر از نویسندگان، مؤسسه آموزش عالی سبز و راهنمایی دکتر مهری بهار در سال ۱۳۹۷.

۲. مقاله «آسیب‌شناسی پژوهشی نیل رابینسون درباره دجال»، به قلم حسن‌رضایی هفتاد و سیف‌علی زاهدی‌فر که در سال ۱۳۹۴ در شماره ۵۱ مجله علمی پژوهشی انتظار موعود به چاپ رسیده است.

۳. مقاله «بررسی و نقد تصویر دجال در دایرةالمعارف ایرانیکا» به قلم حامد نظریور و مرضیه دژفر که در شماره ۶۴ مجله انتظار موعود، سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است.

هر سه اثر با رویکرد نقد تاریخی یا حدیثی به مبحث دجال وارد شده‌اند و عمده مباحث آنان، شناسایی و بررسی استنادات نویسنده است. افزون بر آن، مقاله دوم و سوم، به نقد دجال در دو دایرةالمعارف دیگر، غیر از دایرةالمعارف اسلام پرداخته‌اند. در منبع نخست نیز آنچه بیشتر

موردنظر نویسنده بوده، تطبیق سه دایرةالمعارف مطرح مستشرقان در زمینه مباحث اسلامی است که در طی آن نیز بیشتر رویکرد تاریخی، جلب توجه می‌نماید؛ از این جهت اصلی‌ترین تفاوت این اثر با این نگاره، در زاویه نقد است که هدف در این مقاله، نقد روشی و از منظر کلامی است؛ زیرا آنچه اعتقاد یک مسلمان یا شیعه امامیه به شمار می‌رود - جز برای متخصصان و مجتهدان اهل فن که قدرت تشخیص حدیث سقیم از صحیح را داشته و از فن فهم حدیث برخوردارند - با مراجعه مستقیم به منابع قرآنی-حدیثی و بدون نظرافکندن به شرح و سند آن، قابل انتساب نیست. در نتیجه لازم است آنچه به امامیه یا مسلمانان منسوب می‌شود، در منابع اعتقادی و کلامی بررسی شود؛ از این رو نوشتار حاضر را می‌توان اثری نوین و بدون تکرار قلمداد کرد.

### ۱. گزارشی مختصر از مدخل «دجال»

مدخل «دجال» (Dajjal) یکی از مداخل دایرةالمعارف اسلام لایدن هلند است که به قلم Abel. Armand نوشته شده است. آبل آرمان (۱۹۰۳-۱۹۷۳م) نویسنده مدخل «دجال» دایرةالمعارف اسلام لایدن، استاد تاریخ و معارف اسلامی، عرب‌شناس و لغت‌شناس بلژیکی است که آثار بسیاری در حوزه مسائل دینی، تاریخی، باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی از او باقی مانده است. وی، رشته‌ای نوین تحت عنوان «تاریخ مبادلات فرهنگی غرب مسیحی و شرق مسلمان در قرون وسطی» را به صورت آزاد در دانشکده ادبیات دانشگاه بروکسل بنیاد نهاد و با پشتیبانی همین دانشکده درس اسلام‌شناسی را در انستیتوی زبان‌شناسی دایر کرد. در یادنامه‌ای که به پاس خدمات او انتشار یافته، فهرستی حاوی بیش از ۱۲۰ مقاله، تک‌نگاره و جزوه از این پژوهشگر نام برده شده است.

مقاله با مفهوم‌شناسی «دجال» آغاز می‌شود؛ «دجال، به معنی فریبکار، صفتی است از ریشه سریانی «دگالا» که به کلمه مشیحا یا نبیا اضافه می‌شود. در زبان عربی به عنوان یک اسم و برای اشاره به شخصیتی به کار می‌رود که صاحب قدرت‌های خارق‌العاده است و پیش از

آخرالزمان به بروز و ظهور می‌رسد». (Abel. 1991. vol. 2, p.76. c. 1)

از نگاه مسلمانان، دجال در طول مدت ۴۰ روز یا ۴۰ سال، فساد و ظلم را در دنیا حاکم خواهد ساخت. پس از آن، کل جهان به اسلام خواهد گروید. ظهور او، یکی از نشانه‌های آخرالزمان است. ویژگی‌هایی که در افسانه‌های فرجام‌شناسانه اسلامی به او نسبت داده‌اند، ترکیبی از ویژگی‌های برگرفته از موعظه مسیح به حواریون خود و عناصری برگرفته از مکاشفه یوحنا ی قدیس اهل پتموس است. (ibid, 2c)

این ویژگی‌ها مجدداً در متون شبه‌مکاشفه‌ای دوره‌های بعد نیز آمده است. پس از تهاجم هون‌ها، افرائیم مقدس در خطابه خود، راجع به آخرالزمان، ظهور او را از گراسه (کراسن، خراسان) ذکر کرده است. مهم‌ترین حرکت او، گمراه کردن انبوه مردم، کارهای خرق عادت (به‌استثنای زنده کردن مردگان) و کشتن الیاس و خنوخ - دو شاهدی که از سوی خدا علیه او قیام می‌کنند و حیاتی دوباره می‌یابند و زنده می‌شوند - است. او سرانجام با ظهور عیسی عَلَيْهِ السَّلَام شکست می‌خورد و مثله می‌شود. از «فرزند نابودی» سخن به میان می‌آورد که از کراسه [خراسان] می‌آید و سرانجام به دست پادشاه رومی‌ها هلاک می‌شود. در متنی شبیه به این، مکاشفه بحیرا با همین لحن از ابن هلاک نام می‌برد که به دست فرشته رعد به هلاکت خواهد رسید. (ibid)

با این حال، در قرآن به دجال هیچ اشاره‌ای نشده است و نام این شخصیت تنها در احادیث اسلامی به چشم می‌خورد. ابن حنبل افسانه‌هایی را درباره‌ی الاغی که او بر آن سوار می‌شود، گناهکاران و ریاکارانی که ملازم اویند و سرنوشت او پیش از ظهور عیسی را بیان می‌کند. به طور مشابه در کتاب صحیح بخاری و مسلم، فصلی به نام باب ذکر الدجال وجود دارد که او را فردی تنومند، با چهره‌ای سرخ و یک چشم و موی فردار توصیف می‌کند که با خودش آب و آتش می‌آورد؛ آبی که از آتش و آتشی که از آب سرد برمی‌آید. پیامبر از آمدنش خبر داده و بر فتنه او از خداوند، استعانت جسته است. او بر دنیا مستولی می‌شود؛ اما با وجود فرشتگانی که در دروازه‌های شهر مدینه (و مکه) ایستاده‌اند نمی‌تواند از مانعی که آنها تشکیل داده‌اند، عبور کند. این روایات، جزئیات را از افرائیم مقدس گرفته‌اند؛ او با خودش

کوهی از نان و رودی از آب می‌آورد. همچنین افرائیم مقدس در مورد صحنه دیدار او با الیاس و خنوخ به صورت خلاصه و تحریف‌شده مطالبی ذکر کرده است (ibid).

متون مکاشفه‌ای بعدی همچون مکاشفات کعب الاحبار، شمس الغیوب فی حنادیس القلوب و نیز جزوه مسیحی درباره اشغال قسطنطنیه در سال ۱۲۰۴م. با تکرار مکاشفات قدیمی سیبیلآ مجدداً به توصیف ظهور دجال، معجزات دروغینش، پیروزی‌ها و عاقبت او می‌پردازد؛ اما در مکاشفات اسلامی به روشنی بیان شده که مدعی دروغینی که عنوان مهدی (عج) را غصب کرده، به دست او هلاکت می‌شود. این در حالی است که در مکاشفه سیبیلآ آمده است که او درست به هنگام آخرالزمان، به دست عیسی کشته خواهد شد. این نقل‌ها بر زیبایی و قدرت اغفال دجال تأکید کرده و صحنه محکوم کردن او از سوی انسان‌های شرافتمند را تکرار می‌کند. مکاشفه سیبیلآ بر این باور است که دلیل قاطع بر شیادی دجال، ناتوانی او در زنده کردن مردگان است. با توجه به این اسناد به نظر می‌رسد از قرن یازدهم تا قرن شانزدهم میلادی، روایات یهودی و مسیحی در مورد دجال، برجا مانده است و در توصیف دوره پیش از قیامت، یک اصل حتمی محسوب می‌شود. عبدالقاهر بغدادی در کتاب الفرق بین الفرق، فتنه دجال را تنها ۴۰ روز می‌داند و بیان می‌کند که به اعتقاد مسیحیان، او به دست عیسی به هلاکت خواهد رسید. بدین‌گونه عیسی پس از کشتن خوک‌ها، ریختن شراب و نمازگزاردن در کعبه، به اسلام می‌گردد. (ibid, 1c)

بخش اصلی قصه دجال با عباراتی درباره اصل و نسب او کامل می‌شود. متون مکاشفه‌ای چنین آورده‌اند که او از دورترین سرزمین‌ها می‌آید. در مکاشفه افرائیم مقدس و مکاشفه شمس الغیوب، او خراسانی خوانده شده است. طبق مزامیر کعب الاحبار و صیحة البوم، او از سرزمین‌های غربی می‌آید. جغرافی دانان و جهان‌گردان دوران کلاسیک می‌گویند او در کشورهایی سکونت داشته که به تبع روایات الکساندر رومانس، عجائب الهند آنها را معمولاً پر از موجودات عجیب و غریب معرفی می‌کند. معمولاً این مکان، هندوستان، چین و مجمع‌الجزایر اندوزی بوده که از زمان ابن خردادبه و مسعودی تا ابن‌ایاس، محل منتخب به

شمار می‌رفتند. او پیامبری عظیم‌الجثه و دروغین و پادشاه یهودیان است و بنا بر اطلاعات مکتوبی که در دسترس است یا با توجه به پیش‌داوری‌های غالب، چهره‌ای متفاوت دارد. شایان ذکر است با توجه به افسانه پرومتیوس، او زنده بوده و به کوهی روی یک جزیره دریایی زنجیر شده است و شیاطین برای او غذا می‌آورند. (ibid, 1c)

## ۲. نقد و بررسی

در نقد روشی این مدخل، سه رویکرد لحاظ می‌شود:

نخست، بررسی روش‌های استنادی که مراد از آن در این اثر، بررسی تخصصی سندی، همچون تشخیص نوع روایت، رجال حدیث و... نیست، بلکه مراد، مفهوم لغوی سندشناسی است؛ به این معنا که آیا آنچه در دایرةالمعارف به شیعه امامیه نسبت داده شده، دارای سندی معتبر در میان کتب و آثار بزرگان امامیه هست؟ آیا متکلمان نامور شیعه، این دیدگاه را در آثار خود به منزله اندیشه شیعه پذیرفته‌اند؟ بنابراین در این بخش، اعتبار و درجه منابع کلامی به کار گرفته شده، میزان توجه به تفکیک منابع شیعه از اهل سنت و تفکیک منابع امامیه از غیر امامیه، بررسی تعدد منابع و... از جمله اموری است که در بررسی روش‌های استنادی لحاظ می‌شود. بررسی روش‌های علمی، نوع دیگری از نقد روش‌شناسی است که در این بخش، میزان استفاده از روش‌های منطقی (همچون انواع مغالطات، جدل، تمثیل...)، روش‌های معرفت‌شناسی و فلسفی، مراعات سیر تاریخی، تناسب دلیل با مدعا و... بررسی می‌شود. سومین نوع ارزیابی روشی نیز ارزیابی ساختاری است که نظم و ساختار محتوای ارائه‌شده در دایرةالمعارف با اصل اعتقادات شیعه، سنجیده می‌شود و بررسی می‌گردد که محتوای مدخل، توانسته ساختارمندی و نظام‌وارگی اعتقاد شیعه در آن اعتقاد خاص را به تصویر بکشد یا تنها تعدادی از اندیشه‌ها به صورت نامنظم و غیروابسته ذکر گردیده است. همچنین با بررسی هدف هر مدخل، مشخص می‌گردد که آیا تناسبی میان اهداف و محتوای ارائه‌شده وجود دارد، مقدمات و پیش‌سازمان‌دهنده‌ها در هر مدخل موضوع بحث قرار گرفته یا خیر.

## ۱-۲. بررسی روش استنادی

در بررسی سندی، استناد آنچه به مسلمانان و شیعه امامیه منتسب شده، بررسی می‌شود و اگر به لحاظ سندی، نقل مدعی اثبات نشود، نوبت به مرحله بعدی نمی‌رسد. نکته شایان تذکر در این مجال آن است که منظور از بررسی سندی در هریک از عناوین این اثر، سندشناسی و اجتهاد از حدیث و قرآن، رجال و سندشناسی حدیثی-تاریخی نیست، بلکه صحت سنجی انتساب این اندیشه به امامیه از طریق بررسی متکلمان نام‌آشنای امامیه مراد است:

### ۱-۱-۲. اصالت بحث در منابع اسلامی

مقصود از اصالت بحث در منابع کلامی شیعه آن است که آیا دجال، مبحثی دارای ریشه در کلام امامیه است و به مثابه امری پذیرفته‌شده و دارای اصالت از آن یاد می‌شود یا آنکه ریشه این بحث به مذاهب و ادیان دیگر بازمی‌گردد. آنچه در دایرةالمعارف اسلام لایدن از مدخل «دجال» می‌گذرد، روایتی از نظرات دسته‌ای از مسلمانان بدون توجه به دیدگاه دیگران است. توضیح آنکه منابع به‌کاررفته در این مدخل، به‌تمامه از اهل سنت بوده و به دیدگاه و مواضع سایر گروه‌ها از جمله شیعه و امامیه، توجهی صورت نگرفته است. (Abel. 1991. vol. 2, p.76. c. 1)

پس از آن، نویسنده مدخل، بارها و بارها در طی مدخلی که می‌بایست به دیدگاه مسلمانان درباره دجال بپردازد، به متون قدیمی و مقدس مسیحیان روی می‌آورد تا ریشه دجال در مباحث اسلامی را به اهل سنت و ریشه دجال اهل سنت را به مباحث مسیحیت گره بزند و این اعتقاد را ایجاد کند که دجال در مباحث اسلامی اصالتی ندارد. اگرچه به اعتقاد گروهی از اندیشمندان امامیه نیز مبحث دجال، از مختصات اعتقادی امامیه نیست و ریشه در کتب اهل سنت داشته است (امینی، ۱۳۸۰: ۲۲۳-۲۲۷)، در مرتبه بعدی بر اساس پژوهش‌های تخصصی حدیثی، در روایات دجال، نام جاعلین و ناقلان اسرائیلیات واردشده از سوی یهود در اسلام به چشم می‌خورد (صادقی، ۱۴۰۱: ۳۳). در مقابل، عده کثیری معتقدند اصل خروج موجودی به نام دجال در آستانه ظهور یا رستاخیر، امری پذیرفته‌شده در میان امامیه

است تا حدی که روایات منکران آن را کافر نامیده‌اند.<sup>۱</sup> (بحرانی، ۱۴۲۲: ۷۹/۷؛ شوشتری، ۱۴۰۹: ۲۱۳/۱۳؛ موسوی زنجانی، ۱۴۱۳: ۲۲۴/۱) از سوی دیگر، ماجراهای تفصیلی و گاه افسانه‌ای از حضور دجال و معجزاتش که در کتب اهل سنت به فراوانی یافت می‌شود، در کتب اندیشمندان و متکلمان مشهور امامیه جایی ندارد و تنها در برخی کتب حدیثی یا کلام نقلی از آن سخن به میان آمده که همین روایات نیز از ادبیات حدیثی اهل سنت ریشه گرفته است (صادقی، ۱۴۰۱: ۳۳). به نظر می‌رسد آبل در زمینه اصالت دجال و نیز دست‌یابی به منابع اسلامی که شامل گروه‌های مختلف شیعه و سنی است، پژوهش گسترده، عمیق و دقیقی انجام نداده است. دست‌کم اندک اشاره‌ای به این امور در دایرةالمعارف اسلام، لازم است، زیرا این مجموعه، به نمایندگی از گروه خاصی از مسلمانان شکل نگرفته و لازم است مخاطب نیز با منابع مختلف اسلامی و اختلاف دیدگاه‌ها، آشنایی کافی پیدا کند.

## ۲-۱-۲. جامعیت منابع

جامع بودن منابع را از چند جهت می‌توان بررسی کرد:

### ۲-۱-۲-۱. بی‌توجهی به منابع امامیه

منابع اسلامی به‌کاررفته در این مدخل، فقط به چند کتاب حدیثی و فرق و مذاهب اهل سنت خلاصه شده است: صحیح بخاری، صحیح مسلم و الفرق بین الفرق بغدادی. (Abel, 1991. vol. 2, p.76. c. 1)

آنچه بیش از هر چیز دیگر در بخش منابع این مدخل رخ می‌نماید، استفاده از منابع گروه خاصی از اهل سنت و بی‌توجهی به سایر تفکرات اسلامی است. این در حالی است که دایرةالمعارف بنا دارد، تصویری از آموزه‌ها و اندیشه‌های مسلمانان ارائه کند و اهل سنت، تنها بخشی از مسلمانان به شمار می‌روند. بنابراین، منحصرنمودن منابع به آثار اهل سنت، با

۱. قال رسول الله ﷺ: «...و من أنكر خروج الدجال فقد كفر...».

نگاهی خوش‌بینانه می‌تواند ناشی از فقدان تسلط نویسنده بر منابع اسلامی باشد. حتی اگر نویسنده تصور کرده مبحث دجال مبحثی با اصالت اهل سنت است، لازم بود به اختلاف دیدگاه‌ها در این مسئله اشاره‌ای کند. در منابع مشهور امامیه، مانند تلخیص المحصل طوسی، قواعد المرام بحرانی، لوامع فاضل مقداد، کمال الدین صدوق، منهج الکرامه حلی، کشف الغمه اربلی، تاریخ پس از ظهور شهید صدر، غایة المرام بحرانی، احقاق الحق قاضی نورالله مرعشی و... از مباحث دجال با رویکردهای متفاوتی سخن گفته شده است که در ادامه نوشتار با تفصیل بیشتری بدان می‌پردازیم.

#### ۲-۱-۲- بی‌توجهی به منابع غیر حدیثی

نکته دیگر آنکه مبحث دجال در میان مسلمانان و حتی در میان امامیه با اختلاف نظرهای زیادی همراه است. منشأ این اختلافات نیز، روایات مبحث دجال هستند. نویسنده، نه تنها به این عدم اتفاق، اشاره و توجهی ندارد و نظرات گروهی خاص (اهل سنت) را به صورتی تک‌بعدی و بدون توجه به نظرات دیگر مطرح می‌سازد؛ بلکه با مراجعه مستقیم به روایات و عدم توجه به استنادات آن، به نوعی اجتهاد دست‌زده و تصویری افسانه‌گونه و عجیب از دیدگاه اسلام و مسلمانان در باب دجال ارائه کرده است؛ از این جهت به نظر می‌رسد چه در محتوای ارائه شده و چه در باب استنادات، این مدخل، به صورت گزینشی عمل نموده و به جای اعتقادات اسلامی، دیدگاه‌های گروه خاصی از اهل سنت آن هم تنها در پرتو روایات را به تصویر کشیده است. (Abel, 1991, Vol.2, p.76, c.2) آنچه در مراجعه مستقیم به منابع و جوامع حدیثی، ضروری است؛ توجه به سلسله اسناد حدیث و قدرت تشخیص صحیح از سقیم است. همچنین، معیار قراردادن یک یا دو روایت بدون توجه به سایر احادیث نمی‌تواند دیدگاهی جامع در یک مسئله را ایجاد کند؛ بنابراین، باید توجه داشت، علم حدیث، فنی تخصصی است که هر کسی بدون توجه به قوانین آن، توانایی برداشت مستقیم از روایت و اجتهاد در آن را ندارد. افزون بر آنکه هدف از دایرةالمعارف، ارائه گزارشی از باورهای مسلمانان است، نه اجتهاد از احادیث؛ بنابراین بایسته بود نویسنده مدخل، به

جای مراجعه مستقیم به روایات و اجتهاد در این زمینه، نظرات مورد پذیرش مسلمانان را نقل کند. جایگاه این مباحث، عمدتاً در کتب کلامی و اعتقادی مسلمانان جای دارد. منابعی در این رابطه به کرات در طی نوشتار، مورد ارجاع قرار گرفت و به جهت رعایت اختصار از ذکر دوباره آن پرهیز می‌شود.

### ۲-۲-۱-۳. بی‌توجهی به منابع معاصر و نظرات جدید

نکته دیگر آنکه، پیشرفت و توسعه ده‌های اخیر در مبحث مهدویت از جمله دجال با محوریت اندیشه‌های امامیه، مورد غفلت نویسنده بوده است. اندیشمندان و نویسندگان معاصر در اختلاف نظرهایی که بنا بر ظاهر میان روایات مورد پذیرش دجال وجود دارد؛ نظر افکنده و با جمع میان آنها، تأویل و تفسیر عقلانی، تشخیص احادیث جعلی و اسرائیلیات از احادیث صحیح و... بسیاری از شبهات و اشکالات در این مبحث را پاسخ گفته و خاتمه بخشیده‌اند. (صدر، ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۳۱؛ طبسی، ۱۳۸۸: ۲، ۳۴۸-۳۷۶) به جز این، اندیشه سمبلیک و نمادین بودن دجال در دوره‌های اخیر، بسیار تقویت شده و مورد پذیرش بسیاری از مسلمانان است. این اندیشه با در نظر گرفتن احادیثی از پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سایر اولیای الهی عَلَيْهِمُ السَّلَام نشان‌گر آن است که دجال، شخص نیست و نمادی از حرکتی ضد اسلامی و نیرنگ‌ناک و عنوانی عام است که بر هر اندیشه و شخصی که در پی پایه‌گذاری ادعایی پوچ با توسل به خدعه باشد، قابل اطلاق است و این امر در عصر غیبت و آستانه ظهور، شدت بیشتری پیدا می‌کند. (صدر، ۱۴۱۲: ۱۳۹-۱۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۸۱) افزون بر آن، برخی، دجال در کتب اهل سنت را معادل «سفیانی» در کتب امامیه می‌دانند و معتقدند این دو در واقع، یک شخص هستند. (صدر، ۱۴۱۲: ۵۲۳/۲) به این دسته منابع نیز در دایرةالمعارف اسلام بی‌توجهی شده است.

### ۲-۲-۱-۴. تقویت منابع مسیحی در بحث از دجال

نویسنده پس از طرح کلیاتی از ویژگی‌های جسمانی دجال و شرایط حضور او، وارد فضای تطبیق این اندیشه بر تعالیم مسیحیت می‌شود. (Abel. 1991. vol. 2, p.76. c. 1)

عملکرد تطبیقی در این مسئله، رویکردی علمی و دقیق است، اما زمانی که از این تطبیق، نتیجه‌ای قطعی و مستدل گرفته نشود و حجم مباحث مسیحیت بر منابع اسلامی، سبقت بگیرد، نویسندگان را با این اشکال مواجه می‌سازد که چرا در دایرةالمعارفی که با هدف بررسی منابع اسلامی سامان یافته، مباحث مسیحیت، بر اسلام سبقت گرفته است. این در حالی است که به جهت صرفه‌جویی، نظرات دیگر گروه‌های اسلامی از جمله شیعه به دست فراموشی سپرده شده است. عمده منابع مسیحی در این باب؛ کتب متی باب ۲۴، مرقس باب ۱۲ و مکاشفات یوحناست که به نظر می‌رسد در مقایسه با منابع اسلامی به‌کاررفته در این مدخل برابری دارد.

#### ۲-۱-۲-۵. در نظر نداشتن منابع لغوی اسلامی

اگرچه در بحث استنادی، جایگاه بررسی مفهوم دَجَّال نیست، نویسندگان مدخل، واژه «دَجَّال» را صراحتاً واژه‌ای سریانی می‌داند و به دیگر احتمالات و منابع لغوی اسلامی بی‌توجهی کرده است. «دَجَّال» در منابع لغوی عربی از صیغه مبالغه ریشه دجل به معنای فریبکار است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۷/۱۱؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۵/۳۶۹) به نظر می‌رسد با توجه به وجود واژه «دَجَّال» در کتب لغت مشهور اسلامی، شایسته است نویسندگان این مدخل، اشاراتی به این منابع اسلامی نیز داشته باشد و سپس در طی یک بحث تحلیلی و با ارائه استنادات، دیدگاه خود را بر سریانی بودن کلمه دَجَّال به اثبات برساند.

#### ۲-۱-۳. تعدد، قدمت و تفکیک منابع

آبل در مدخل دَجَّال به دو منبع حدیثی از اهل سنت یعنی صحیح بخاری و صحیح مسلم استناد می‌کند و در یکی از نقل قول‌ها به کتاب الفرق بین الفرق بغدادی نیز ارجاع می‌دهد. (Abel. 1991. vol. 2, p.76. c. 2)

پیش از این گذشت که نویسندگان، منابع متعددی را از نظر دور داشته و تنها به منابع اندکی

از اهل سنت ارجاع داده است. با این حال، همین دو عنوان کتاب از منابع حدیثی متقدم اهل سنت به شمار می‌رود. بنابراین، پرواضح است که دو یا سه کتاب نمی‌تواند حاکی از تعدد منابع باشد و روش تحقیقی نویسنده از این جهت با اشکال و نقد مواجه است؛ اما در همین استنادات اندک، سعی شده به منابع متقدم ارجاع شود. در بحث تفکیک منابع نیز میان منابع مسیحیت و اهل سنت تفکیک شده، اگرچه قصد نویسنده آن است که مباحث دجال در مباحث اهل سنت را وامدار منابع مسیحی بداند. از طرفی دیگر، میان منبع قرآن و حدیث نیز تفکیک شده و نویسنده با اشاره به اینکه در قرآن اشاره‌ای به دجال نشده است، از مطالبی که در منابع حدیثی آمده سخن می‌گوید. از دیگر اندیشه‌های اسلامی و اختلافات اقوال نیز سخنی نیامده تا بتوان عنایت یا عدم عنایت به تفکیک مباحث را از آن نتیجه گرفت. از جمله این اختلافات، شخص یا اندیشه دانستن دجال است که نویسنده مدخل بدان بی‌توجه بوده است.

## ۲-۲. بررسی روش‌های علمی-منطقی

روش‌های علمی و منطقی، عمدتاً بر محتوای اثر نظارت دارد بر همین پایه با عنایت به محتوای مدخل دجال، می‌توان نکاتی را درباره روش نویسنده، مطرح کرد:

### ۲-۲-۱. روش‌های منطقی

نتیجه منطقی، از ترکیب داده‌ها و مقدمات معتبر حاصل می‌آید. وقتی مقدمات و داده‌های به‌دست آمده ناقص باشد یا معتبر نباشد؛ نتیجه نیز عقیم و ناصحیح است. در مباحثی که ذیل مدخل «دجال» مطرح شده است، چند نوع مغالطه منطقی به چشم می‌خورد:

استفاده از عنوان «افسانه‌ها» یا «قصه» در نقل مباحث دجال و نیز بی‌توجهی به منابع مورد پذیرش مسلمانان و امامیه در مبحث دجال سبب شده نویسنده با ارائه تصویری ناقص و غیرمعتبر، در ذهن مخاطب خود، ذهنیت منفی به تفکرات اسلامی ایجاد کند. این نوع از

مغالطه را می‌توان «مغالطه تحریک احساسات» نامید؛ به این معنا که نویسنده با ایجاد تأثیر روانی روی ذهن مخاطب از طریق تحریک احساسات یا پیش‌ذهنیت، او را از مقام استدلال دور کند. (عادل، ۲۰۰۷: ۹۳) نوع دیگری از مغالطه که مخالفان پیامبر اسلام نیز در صدر اسلام از آن بهره می‌بردند، «مغالطه منشأ» است که برای نپذیرفتن یک عقیده یا سخن، آن را به منشأیی ناپسند نسبت می‌دادند. (خندان، ۱۳۸۴: ۲۰۲) آبل، منشأ مبحث دجال را افسانه و قصه‌های آخرالزمانی در منابع حدیثی و غیروحیانی می‌داند. این در حالی است که مباحث دجال در نگاه امامیه به‌ویژه در منابع نویسندگان معاصری چون شهید صدر با دقت و تفکیک احادیث صحیح و سقیم همراه است (صدر، ۱۴۱۲: ۵۲۳/۲) و اگر نویسنده مدخل نیز، تتبع جامع‌تری در منابع به کار می‌بست، می‌توانست میان افسانه‌ها و حقایق تفکیک قائل شود.

## ۲-۲-۲. جامعیت و مانعیت مباحث

جامعیت و مانعیت در کلام، سبب می‌شود اولاً، تمامی مباحث مهم و ضروری یک عنوان به بحث گذاشته شود و ثانیاً، مباحث غیرمرتبط و زاید به بحث راه نیابد. بررسی این امر در مدخل «دجال» از چند جهت قابل پیگیری است:

### ۲-۲-۲-۱. ذکر آرا و اقوال مختلف

عنوان «دجال» در میان مباحث مهدویت، معرکه آرا و اقوال است. با این حال، آنچه توجه نویسنده مدخل را جلب کرده، شباهت دیدگاه اهل سنت به مسیحیت است؛ از این جهت دست به گزینش زده و نظریات اسلامی دیگر را نادیده گرفته است. از جمله مباحثی که در میان مسلمانان ذیل مبحث دجال با اختلاف همراه است، بحث خوارق عادت در دست فردی مثل دجال است که برخی معتقدند به جز معدودی از معجزات، مانند زنده کردن مردگان، دیگر خوارق عادت از او ممکن است. به این مطلب در مدخل اشاره شده، اما به قول دیگر که انجام هرگونه معجزه به دست او را خلاف حکمت الهی می‌دانند، نپرداخته است. (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۷۴). این مباحث با تحلیل‌های عقلی و مبانی اثبات‌شده مانند بحث

عدالت و حکمت در منابع کلامی شیعه بحث شده است که اجازه صدور معجزه یا خرق عادت برای فرد یا افرادی که قصد گمراهی مردم را دارند، خلاف حکمت و عدل الهی است و معجزه و خرق عادت تنها از پیامبر، مجاز است. (حلی، ۱۴۰۷: ۳۵۰).

همچنین طول عمر دجال و اینکه او، هم‌اکنون زنده است یا بعداً متولد می‌شود، از مباحث اختلافی است. براین اساس، غالب منابع حدیثی اهل سنت معتقدند او از زمان پیامبر ﷺ متولد شده و عمری طولانی دارد و منابع امامی از این اعتقاد اهل سنت استفاده کرده و آن را به بحث طول عمر حضرت مهدی (عج) که از نظر اهل سنت، امری محال است، پیوند زده‌اند و در جهت اثبات و امکان آن برآمده‌اند. (طوسی، ۱۴۰۵: ۴۳۳؛ بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۹۲؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۰: ۳۴۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۵۲۹/۱).

مسئله اختلافی دیگر، شخصی است که دجال به دست او کشته می‌شود. منابع شیعی نیز از این اختلاف بی‌بهره نیستند برخی معتقدند دجال به دست حضرت مهدی (عج) کشته می‌شود و برخی آن را به حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام منسوب نموده‌اند. برخی منابع به این اختلاف اقوال اشاره کرده‌اند. (صدوق، ۱۳۹۵: ۲/۳۳۶؛ حلی، ۱۳۸۶: ۱/۳۱۶)

در این بین عده‌ای نیز کوشیده‌اند میان دو قول جمع کنند و کشته شدن دجال را در زمان حکومت حضرت مهدی (عج) و به دست حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام بیان کنند یا این کار را به مساعدت هر دو نسبت دهند تا میان هر دو قول جمع شود. (حلی، ۱۳۸۶: ۱/۳۱۶؛ بحرانی، ۱۴۲۲: ۷/۱۱۳؛ صدر، ۱۳۸۴: ۱۳۰)

اختلاف دیگر، ناظر به زمان پدیدار شدن دجال است که در این بین، غالب اهل سنت، آن را نشانه و علائم قطعی یا غیرقطعی ظهور می‌دانند و غالب امامیه، آن را از اشراف الساعة و علائم قیامت برمی‌شمارند که مقارن با ظهور رخ می‌دهد. (اربلی، ۱۳۸۱: ۲/۵۰۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۱/۲۵۰) مسئله شخص یا وصف بودن دجال (صدر، ۱۴۱۲: ۱۳۹-۱۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۸۱) نیز از جمله امور اختلافی است که به دلیل اهمیت آن در مبحث بعدی، به صورت مجزا بدان می‌پردازیم.

### ۲-۲-۲. پرداختن به ابعاد مختلف عنوان

آنچه بیش از هر چیز دیگر در مدخل دَجَّال، مورد توجه نویسنده قرار گرفته، مباحثی ناظر به ویژگی‌های جسمانی دَجَّال و امور پیرامون او نظیر ویژگی‌های مرکب، ملازمان، خصوصیت‌هایی نظیر اعور بودن یا همراه داشتن کوهی از نان و رودی از آب، محل ظهور او و... است. این در حالی است که منابع مشهور کلام امامیه، فاقد این مباحث است و در انگشت‌شمار منابع غیرمشهوری نیز که وجود دارد، تنها به ذکر یک یا دو حدیثی که جامع همه این ویژگی‌هاست اکتفا شده و بیشتر تمرکز بر مباحث دیگری مانند اندازهای پیامبران و پیامبر اسلام و ائمه طاهرین و راهکارهایی برای درامان ماندن از فتنه دَجَّال است. (طوسی، بی تا: ۱۷۱/۱؛ بحرانی، ۱۴۲۲: ۳۴۷/۲؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹: ۴۰۵/۲۰) همچنین در برخی منابع کلامی امامیه توصیه شده که به اخبار صحیح در زمینه دَجَّال مراجعه شود تا احادیث غیرصحیح، سبب گمراهی و انحراف از مسیر اصلی نشود. (حلی، ۱۳۸۶: ۳۲۰/۱) بنابراین، اهتمام مباحث اسلامی، بیش از آنکه بر ویژگی‌های جسمانی دَجَّال متمرکز باشد، از فتنه او و دچار نشدن به حيله‌های دَجَّال یا دَجَّال‌های زمانه است.

### ۳-۲-۲. مانعیت از ذکر انحرافات و خرافات در ویژگی‌های جسمانی دَجَّال

نویسنده این سطور، با پژوهشی نسبتاً وسیع در میان کتب کلامی امامیه و مطالعات پژوهش‌های اخیر حدیثی و کلامی، ضمن آشنایی ضمنی با اکثر موضوعات مرتبط با دَجَّال و تطبیق آن بر مباحث جمع‌آوری شده در این مدخل از دایرة‌المعارف اسلام به نکات ذیل دست یافته است:

دَجَّال در همه صحاح اهل سنت، دارای بایب اختصاصی است؛ اما در منابع شیعه، یا بحثی از آن صورت نگرفته یا به صورت پراکنده از آن بحث شده است. در میان منابع اصیل و قدیمی کلامی شیعه، برخی نویسندگان؛ نظیر مفید در کتاب «الارشاد»، با وجود آنکه بایب مستقل به حضرت مهدی و حوادث پیرامون او اختصاص داده (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۹/۲) و نعمانی در کتاب «الغیبة» که بنای آن، ارائه تصویری از مهدویت در باور امامیه است؛ اصلاً به مبحث دَجَّال

نپرداخته‌اند. (ر.ک نعمانی، ۱۳۹۷، کل کتاب) در کمال‌الدین صدوق (صدوق، ۱۳۹۵: ۱۶۰/۱، ۲۵۱، ۳۳۶ و ۵۲۵)، کتاب الغیبة طوسی (طوسی، ۱۱۳/۱۴۲۵ و ۴۳۶) ملاحم و فتن ابن طاووس و... از دجال، نشانه‌هایی وجود دارد. (ابن طاووس، ۱۲۳/۱۳۹۸ و ۱۴۷). عمده مباحثی که از متکلمان شیعه در مبحث دجال نقل شده است- فارغ از بحث‌های تخصصی سندشناسی حدیثی- به‌قرار ذیل است:

در کتب کلامی امامیه بر اساس روایاتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ دو نوع برخورد نسبت به دجال مورد توصیه قرار گرفته است: در توصیه نخست، پیامبر، شناخت دجال و هراس از او را در مقایسه با دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و قاتلان ائمه معصومین علیهم‌السلام، بی‌اهمیت می‌خوانند و هراس خود را از فتنه گروه دوم در میان مردم، شدیدتر از فتنه دجال می‌خوانند. (نیشابوری، ۱۳۶۳، ص ۵۶؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۶۵؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۰۹؛ حراملی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۶۴) در توصیه دیگر، انکار خروج دجال، به منزله کفر شناخته شده (بحرانی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۷۹؛ شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۲۱۳؛ موسوی زنجانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۲۴) و از فتنه دجال اندازهایی صورت گرفته است. (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۱؛ بحرانی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۴۷؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۴۰۵) استنادات در دایرةالمعارف اسلام، از این مباحث و این بخش از کتب مورد اعتماد مسلمانان، غافل بوده است و سخنی از آن به میان نیامده است.

همچنین در کتب کلام امامیه از دجال و دجال‌ها بحث شده و در این راستا به روایاتی استناد صورت گرفته که هم از دجال به‌عنوان یک شخص دارای ویژگی‌های جسمانی و حتی نام و نسبی مشخص یاد شده (ابن طاووس، ۱۴۱۶، ص ۲۴۹؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۸۸؛ برسی، ۱۴۲۲، ص ۱۱۸؛ فیض‌کاشانی، ۱۴۲۵، ص ۳۳۱؛ شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۷۰) و هم از روایاتی یاد می‌شود که دجال را نه یک اسم و شخصیت؛ بلکه صفت و ویژگی افراد دغلباز و نیرنگ‌آفرین می‌دانند که در صدد گمراهی مردم هستند و در دوران همه پیامبران نسبت به فتنه آنها هشدار داده شده است. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۲۹؛ بیاضی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۲۱) هر دو رویکرد در منابع کلامی امامیه ناظر به روایات، مطرح شده؛ اما در دایرةالمعارف از جنبه

دوم، بحثی به میان نیامده است. بر اساس همین نگاه دوم، عده‌ای از معاصران معتقدند، روایاتی که از شخص بودن دجال، سخن می‌گویند ضعیف بوده و با پاکسازی روایات دجال از جعلیات و اسرائیلیات، تنها وصف دجال و انذار از آن باقی می‌ماند که می‌تواند بر هر اندیشه و شخصی قابل انطباق باشد و هم می‌توان دجال را به عنوان وصفی عام دانست و هم به شخص خاصی در عصر غیبت و در آستانه ظهور، منتسب نمود. (صدر، ۱۴۱۲، ص ۱۳۹-۱۵۹؛ مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۶-۱۸۱). با وجود اقوال متعدد و منابع مختلف، نویسنده این مدخل تنها به منابع خاص و مباحثی و گزینشی، اکتفا نموده است.

احادیث ناظر به توصیفات جسمانی از دجال یا تطبیق او بر شخصی خاص تنها در برخی از کتب غیرمشهور یا متاخر امامیه نقل شده است. (اربلی، ۱۳۸۱: ۴۹۱/۲؛ بررسی، ۱۴۲۲: ۱۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۳۳۱؛ شوشتری، ۱۴۰۹: ۷۰۱/۱۹) از بررسی‌های انجام شده به نظر می‌رسد منابع ناقل ویژگی‌های جسمانی دجال یا مرکب او نیز در صدد نیستند تا این امور را به مثابه آموزه‌ای از مهدویت بیان کنند و فقط به ذکر حدیثی در این باره بسنده شده است. همچنین به نظر می‌رسد رویکرد غالب این منابع، جمع‌آوری احادیث بدون بررسی سندی یا محتوایی و اعمال نظر و شرح آن بوده است. برای مثال، التشریف بالمنن به قلم ابن طاووس که یکی از این منابع به شمار می‌رود، برگرفته از سه کتاب اهل سنت است که بخش نخست آن را گزیده فتن ابن حماد، بخش دوم را فتن ابوصالح سلیلی و بخش سوم را فتن زکریای بزاز تشکیل می‌دهد (سید بن طاووس، ۱۴۱۶: ۲۴۹) بنابراین طبیعی است که بازگشت احادیثی مانند آنچه در مبحث دجال آمده به مباحث اهل سنت باشد. غایة‌المرام نیز به قلم هاشم بحرانی نگارش یافته و برای مباحث امامت این کتاب از منابع اهل سنت بهره گرفته است. (بحرانی، ۱۴۲۲: ۱۴۲/۷) سایر منابع مانند کشف الغمه از اربلی، مشارق انوار الیقین رجب بررسی و انوار الحکمة فیض کاشانی نیز با رویکرد حدیثی شکل گرفته که بنای شرح و تحلیل عقلی در این آثار نیست. (اربلی، ۱۳۸۱: ۴۸۸/۲؛ بررسی، ۱۴۲۲: ۱۱۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵: ۳۳۱) روشن است که اندیشه اسلامی و نظام فکری این مکتب، فقط از دل منقولات و احادیث به دست نمی‌آید

و آنکه شایسته مراجعه مستقیم به روایات و کتب حدیثی است، متخصص و مجتهدی است که توان ارزیابی روایات، تشخیص صحیح از سقیم و توانایی تحلیل محتوا با دیگر آموزه‌ها را داشته باشد. بنابراین، شایسته بود نویسنده این مدخل، به جای مراجعه مستقیم به منابع روایی صرف و اجتهاد در زمینه اعتقادات مسلمانان، به کتب تحلیلی و اعتقادی در این زمینه نیز مراجعه کند.

### ۲-۲-۳. بررسی روش‌های معرفت‌شناسی

معرفت از طریق داده‌های عقلی یا نقلی یا هر دو آنها به دست می‌آید. با این حال، گاه طریق معرفت‌شناسی در اندیشمندان، مختص به یکی از دو طیف داده‌ای می‌شود یا اینکه نگاه غالب در آنها به سوی طیف خاصی از داده‌هاست. برای کسانی که قصد دارند نگاه و اندیشه قوم و نگرشی خاص را کانون توجه قرار دهند، آگاهی از این دسته‌بندی لازم است. بی‌توجهی به ساختار فکری و نگرشی نویسنده یا گروه خاص و روش‌های معرفت‌شناسانه او سبب می‌شود کار از حالت علمی و پژوهشی به وضعیتی ژورنالیستی بدل شود. در مدخل موردنظر، به تفاوت‌های معرفت‌شناسانه نویسندگان توجهی صورت نپذیرفته و در قضاوتی دقیق‌تر حتی اگر نویسنده را ناآگاه از این مسئله ندانیم، آنچه در دایرةالمعارف به تصویر کشیده شده، استفاده تک‌بعدی از نگرشی خاص در مسئله است. برداشت مستقیم از حدیث و مراجعه به منابع نقلی از یک سو و عدم مراجعه به شرح‌ها، تفاسیر، منابع کلامی و اعتقادی از سویی دیگر، و عدم تطبیق تک‌گزاره‌های نقلی با نظام اعتقادی مسلمانان از سوی سوم سبب شده نویسنده، تنها به نمایندگی از گروهی خاص به ارائه نظرات مسلمانان در باب دجال بپردازد و ناتوانی در جمع‌بندی و دسته‌بندی سبب شده، این عناوین، افسانه و خرافه نام‌گیرد. (Abel, 1991, Vol.2, p.76, c.2) این در حالی است که اعتقادات مسلمانان، به‌ویژه شیعیان امامیه، با مراجعه به کتب اعتقادی و کلامی، قابل برداشت است و مراجعه مستقیم به روایات بدون آگاهی از وجوه صحت و سقم حدیث نمی‌تواند لزوماً از اعتقادات مسلمانان یا امامیه به شمار رود.

## ۲-۳. بررسی روش ساختاربندی

بررسی ساختاری، یکی از اقسام ارزیابی‌های شکلی است که بر اساس آن، شکل و ساختمان اثر، مرکز توجه قرار می‌گیرد و بررسی می‌شود که آیا طریقه بحث و ساختمان آن توانسته نظام‌واره اعتقادی امامیه را آن‌گونه که هست، به تصویر کشد یا خیر.

### ۲-۳-۱. جایگاه مدخل «دجال» در دایرةالمعارف اسلام

مدخل «دجال» در حالی در دایرةالمعارف اسلام، بررسی شده که هیچ‌یک از علائم دیگر ظهور یا رستاخیز، مانند صیحه آسمانی، خسف بیداء، خروج سفیانی و نفس زکیه در آن، صاحب مدخلی نیستند. چرایی‌گزینش دجال در میان علائم و نشانه‌های ظهور یا رستاخیز و بی‌توجهی به دیگر علائم حتمی یا غیرحتمی، پرسشی بی‌پاسخ است که دایرةالمعارف اسلام با آن مواجه است. گرچه این نکته‌ای است که طراح مداخل، با آن مواجه است و ارتباط مستقیمی با نویسنده مدخل ندارد.

نکته دیگر آنکه این مدخل، تنها با نگاه تاریخی و بیان چند نکته فرعی درباره ویژگی‌های جسمانی دجال و پیرامون او، از نکته اصلی بحث که انذار و هشدارهای پیامبر و اولیای الهی در دوری و شناخت از فتنه دجال و دجال‌هاست، صرف‌نظر کرده است، بنابراین، ساختار ارائه‌شده از بحث با آنچه در کتب امامیه یا با اندکی تسامح در کتب اسلامی به چشم می‌خورد، متفاوت است و همین باعث شده، آنچه از دجال ارائه شده به افسانه و قصه مانند شود. بنابراین، می‌توان ادعا کرد سیر علمی در طرح مسئله رعایت نشده است و با حذف برخی توضیحات و شرح‌ها در تبیین احادیث، مقدمات لازم حذف شده که نبود آن سبب ایجاد ذهنیتی منفی در مخاطب می‌گردد.

### ۲-۳-۲. نظام‌وارگی

منظور از نظام‌وارگی، بررسی این مسئله است که نویسنده در طرح یک عقیده، توانسته ساختارمندی و نظام‌وارگی اعتقاد شیعه در آن اعتقاد خاص را به تصویر بکشد یا تنها تعدادی

از اندیشه‌ها به صورت نامنظم و غیروابسته ذکر گردیده است. چنانکه پیش از این نیز گذشت، نویسنده مدخل با صرف نظر کردن از اختلافات در مسئله، مقدمات لازم بحث و ادله و توضیحات در تشریح اعتقاد امامیه، نه تنها موفق نبوده که تلاشی نیز در این جهت نداشته است. مباحث امروزی در مبحث دجال، ضمن توجه به محتوای روایات، بازشناسی احادیث صحیح و حذف مباحث زائد و بی اعتبار، تصویری صحیح از دجال ارائه کرده‌اند و در موارد اختلاف نظر، با جمع میان روایات، مبحثی قابل قبول از دجال عرضه داشته‌اند (صدر، ۱۳۸۴: ۱۳۰-۱۳۱؛ طبسی، ۱۳۸۸: ۳۴۸/۲-۳۷۶) این در حالی است که آبل در طرح این مدخل، به هیچ یک از این فرایندها توجه نکرده است؛ از این جهت، ساختار ارائه شده از بحث، به گونه‌ای نیست که بتوان مدعی شد اندیشه‌های امامیه را به تصویر کشیده است، بلکه ساختاری ناقص و گزینشی است که صرفاً به جنبه‌های خاصی از یک نظریه خاص دلالت دارد.

### ۲-۳-۳. تناسب هدف و محتوا

مخاطبان این دائرةالمعارف، عمدتاً از میان اقشار تحصیل کرده و دانشجویان رشته‌هایی هستند که به مطالعات فرقه‌شناسی، شرق‌شناسی، مطالعات اسلامی و ادیان علاقه‌مند هستند یا کسانی که به واسطه شنیدن آوازه‌ای از اسلام، قصد دارند با این دین آشنا شوند و در مورد آن اطلاعاتی با حجم کم، اما محتوایی دقیق، درست و علمی دست یابند؛ بنابراین هدف نویسنده در این مدخل از دایرةالمعارف، ارائه اعتقادات مسلمانان درباره دجال است. تفاوت میان به تصویر کشیدن یک عقیده با نظریه‌پردازی درباره یک اعتقاد، این است که در امر نخست، دیدگاه و تحلیل نویسنده، در ارائه و به تصویر کشیدن یک اعتقاد جایگاهی ندارد و نقش نویسنده تنها توصیف و در نهایت تحلیل دیدگاه قائلین به آن اعتقاد است؛ اما در امر دوم، نویسنده با مراجعه به منابع اصیل، به اجتهاد و نوآوری می‌پردازد و نظریه جدید خود را به نظریات قبلی می‌افزاید. آنچه از عنوان دایرةالمعارف اسلام برمی‌آید و انتظار مخاطب از آن به تصویر کشیدن دیدگاه اسلام و فرق مختلف آن در رابطه با عنوان مدخل است؛ نه اجتهاد نویسنده مدخل از عنوان مورد بحث. این در حالی است که نویسنده ضمن مراجعه

مستقیم به احادیث و عدم توجه به آثار پیرامونی، خواسته اعتقادات اسلامی را تنها در پرتو روایات، آن‌هم روایاتی خاص، منعکس کند و این، چیزی نیست که مورد قبول امامیه قرار گیرد. با این حال، آنچه در این مدخل و عناوین تحت آن به چشم می‌خورد، نیاز مخاطب را برآورده نمی‌سازد و دیدگاه اسلام و فرقه‌های مختلف آن را آن‌گونه که هست به تصویر نمی‌کشد؛ بلکه این عقیده و اجتهاد نویسنده دربارهٔ مبحث دجال است که با مراجعه به مواد خام و در برخی موارد، غیرمعتبر به تصویر کشیده شده است. اگر این مبحث تحت عنوان دایرةالمعارف اسلام بحث نمی‌شد، می‌توانست در جایگاه تحلیل نویسنده از شخصیت دجال، درخور توجه باشد.

### نتیجه

مدخل «دجال» در دایرةالمعارف اسلام لایدن هلند با هدف بررسی یکی از باورهای اسلامی در زمینه مهدویت یا آخرالزمان به تصویر کشیده شده که در نگاهی خوش بینانه، نویسنده به دلیل ناتوانی در دستیابی به منابع جدید و اکتفا به منابع حدیثی بدون توانایی تشخیص حدیث صحیح از سقیم، طرحی افسانه‌ای یا به تعبیر خودش، قصه‌گونه از دجال ارائه می‌کند. روش بحث در این مدخل برخلاف برخی دیگر از مداخل این دایرةالمعارف، دقت علمی کافی را ندارد و به نظر می‌رسد نویسنده یا تسلط کافی بر منابع و محتواهای اسلامی نداشته یا در پی انعکاس صحیح عناوین نبوده است. همین مسئله سبب شده روش کار، از دقت کافی برخوردار نباشد و علمی‌نامیدن این اثر و قابل‌مراجعه بودن آن به عنوانی منبعی موثق، با تردید همراه شود. از حیث روش‌های استنادی، منابع به‌کاررفته در اثر، اندک است و این تعداد اندک نیز تنها در دو منبع حدیثی اهل سنت، خلاصه شده است و نویسنده تنها با ذکر چند حدیث، کوشیده اندیشه مسلمانان در مبحث دجال را تصویر کند. از جهت روش‌های منطقی نیز این بخش از مدخل با مغالطات متعددی روبه‌روست و نویسنده با حذف برخی مقدمات و نیز عملکرد گزینشی در انتقال مباحث در مخاطب غیرآشنا با فضای اسلامی، پیش‌ذهنیت منفی ایجاد کرده است. از جهت روش‌های معرفت‌شناسی نیز آبل، به

معرفت‌های نقلی اکتفا نموده و توجهی به شرح‌ها و تفاسیر عقلی از این آموزه نقلی نشان نداده است. این نکات سبب شده، مدخل در ارائه ساختار نظام‌مند تفکر اسلامی به صورت عام و اندیشه شیعی به صورت خاص درباره دجال، موفقیتی نداشته باشد و برخورد گزینشی او در نقل اعتقادات و مراجعه مستقیم به منابع خام به جای انتقال تفکر شیعه، تفکری افسانه‌ای و خرافی را به نمایش گذارد.

## منابع

١. ابن فارس، احمد. (١٤٠٤ق). معجم مقاییس اللغة. ج ٥. ١. قم: مکتب اعلام الاسلامی.
٢. ابن منظور، محمد بن مکرم. (١٤١٤ق). لسان العرب. ج ١١ و ١٢. ٣. بیروت: دارالفکر.
٣. اربلی، علی بن عیسی. (١٣٨١ش). کشف الغمه فی معرفة الاثمة. ج ٢. ١. تبریز: مکتبۃ بنی هاشم.
٤. امینی، ابراهیم. (١٣٨٠). دادگستر جهان. قم: شفق.
٥. بحرانی، ابن میثم. (١٤٠٦ق). قواعد المرام. ج ٢. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
٦. بحرانی، هاشم. (١٤٢٢ق). غایة المرام و حجة الخصام. ج ٧. ١. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
٧. برسی، رجب. (١٤٢٢ق). مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین. ج ١. بیروت: الاعلمی.
٨. بیاضی، زین الدین. (١٣٨٤ق). الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم. ج ٢. ١. قم: المکتبۃ المرتضویة.
٩. حر عاملی، محمد بن حسن. (١٤٢٢ق). اثبات الهداة. ج ١. بیروت: مؤسسة الاعلمی.
١٠. حلی، حسن بن یوسف. (١٤٠٧ق). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
١١. حلی، حسن بن یوسف. (١٣٨٦ش). منهاج الکرامة فی معرفة الامامة. ج ١. ١. شرح سید علی میلانی. قم: مرکز الحقائق الاسلامیة.
١٢. خندان، علی اصغر. (١٣٨٤ش). مغالطات. قم: بوستان کتاب.
١٣. خواجه طوسی، محمد بن محمد. (١٤٠٥ق). تلخیص المحصل. ج ٢. بیروت: دارالاضواء.
١٤. رضایی هفتادار، حسن و زاهدی فر. (١٣٩٤ش). «آسیب شناسی پژوهشی نیل رابینسون

- درباره دجال». مجله علمی پژوهشی انتظار موعود. شماره ۵۱. ص ۸-۱۸.
۱۵. ساعدی، تکتتم. (۱۳۹۷ش). تحلیل و نقد دیدگاه دایرة المعارف اسلام، قرآن و ایرانیکا درباره دجال و سفیانی. پایان نامه کارشناسی ارشد آمل: مؤسسه آموزش عالی سبز.
۱۶. سید بن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۶ق). التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن. ج ۱. قم: صاحب الامر.
۱۷. سید بن بن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۹۸ق). ملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر. ج ۵. قم: الشریف الرضی.
۱۸. شوشتری، قاضی نورالله. (۱۴۰۹ق). احقاق الحق. ج ۱. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۹. صادقی، جعفر و معارف، مجید. (۱۴۰۱ش). «تحلیلی بر روایات خروج دجال در آخرالزمان». مجله علمی پژوهشی مشرق موعود. شماره ۶۴. ص ۲۷-۵۱.
۲۰. صدر، محمد. (۱۴۱۲ق). تاریخ الغیبة الصغری. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۱. صدر، محمد. (۱۳۸۴ش). تاریخ پس از ظهور. تهران: موعود عصر.
۲۲. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۹۵ش). کمال الدین و تمام النعمه. ج ۱، ج ۲. قم: دارالکتب الاسلامیة.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج. ج ۲، ج ۱. مشهد: مرتضی.
۲۴. طبسی، نجم الدین. (۱۳۸۸ش). تا ظهور. ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
۲۵. طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. ج ۵، ج ۳. تهران: مرتضوی.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۳). التبیان فی تفسیر القرآن. ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۲۵ق). کتاب الغیبة. ج ۳. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۲۸. عادل، مصطفی. (۲۰۰۷م). المغالطات المنطقیه. قاهره: المجلس الاعلی للثقافة.

۲۹. عدالت‌نژاد، سعید. (۱۳۹۲ش). دانشنامه جهان اسلام، مدخل دائرةالمعارف اسلام. ج ۱۷. تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
۳۰. فاضل مقداد، جمال‌الدین. (۱۳۸۰ش). اللوامع الالهیه. ج ۲. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۱. فیض‌کاشانی، محمدبن مرتضی. (۱۴۲۵ق). انوار الحکمة. ج ۱. قم: بیدار.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۸ش). آموزش عقائد. قم: دارالثقلین.
۳۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۷ش). وحی و نبوت. تهران: صدرا.
۳۶. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. ج ۱. قم: کنگره شیخ مفید.
۳۷. مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۷۹ش). الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. ج ۲. ج ۱. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
۳۸. مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰ش). حکومت جهانی مهدی. قم: نسل جوان.
۳۹. موسوی زنجانی، ابراهیم. (۱۴۱۳ق). عقائد الامامیه الاثنی عشریه. ج ۱، ج ۳. بیروت: الاعلمی.
۴۰. نظر پور، حامد و دژفر، مرضیه. (۱۳۹۸ش). «بررسی و نقد تصویر دجال در دایرةالمعارف ایرانیکا»، مجله انتظار موعود، شماره ۶۴، ص ۱۲۵-۱۴۴.
۴۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم نعمانی. (۱۳۹۷ش). الغیبه. ج ۱. تهران: مکتبه الصدوق.
۴۲. نیشابوری، فضل بن شاذان. (۱۳۶۳ش). الايضاح. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.

43. Abel, Armand, The Encyclopedia of Islam (EI2), "Dajjal ", (Leiden: Brill, 1991), Vol.2, p.76-77.

## A critical review of Abel's method in the Dajjal entry in the Leiden Encyclopedia of Islam, Based on the theological beliefs of Imamiyah

Marzieh Sadeghi Rashti<sup>1</sup>, Ahmad Beheshtimehr<sup>2</sup>, Fatemeh Raoofy Tabar<sup>3</sup>

### Abstract

The current research aiming to examine the reports in the Dajjal entry as one of the entries in the Leiden Encyclopedia of Islam written by Abel. Armand, has been compiled in response to the question that to what extent are the accepted beliefs of the Imamiyyah, which are discussed mainly in theological sources, reflected in this entry, and to what extent can the validity of the reports in this article be verified? This problem has been investigated with a descriptive-analytical and critical approach and by using library resources in three areas of citation methods, logical-scientific method and structural method. In describing the entry of Dajjal, the author started from the literal meaning and compared it in Jewish and Christian literature with Sunni sources. In the investigations carried out in this article, the author did not try to use different sources, and most of the topics were taken from the two old hadith sources of Ahl al-Sunnah. The omission of some necessary and basic prerequisites in the expression of some content, errors in perception, direct reference to raw hadith sources in the transmission of theological beliefs and the inability to distinguish between correct and incorrect hadith, the predominance of presuppositions and Personal impressions instead of expressing the opinions of Muslims, have caused serious criticism in the field of citation, Scientific, logical, epistemological and structural method to this part of the entry.

**Keywords:** Dajjal entry in the Leiden Encyclopedia of Islam, Orientalists and Mahdism, Criticism of Arman Abel's citation method, Criticism of scientific and logical method, Criticism of epistemological method, Criticism of structuring method.

---

1. Associate Professor, Department of Philosophy, Qom University (corresponding author). (Marziehsadeghi@yahoo.com).

2. Assistant Professor, Department of Shia Studies, Qom University. (A.beheshti@qom.ac.ir).

3. Ph.D. student of theology at Qom University. (Fmrt.1371@gmail.com).